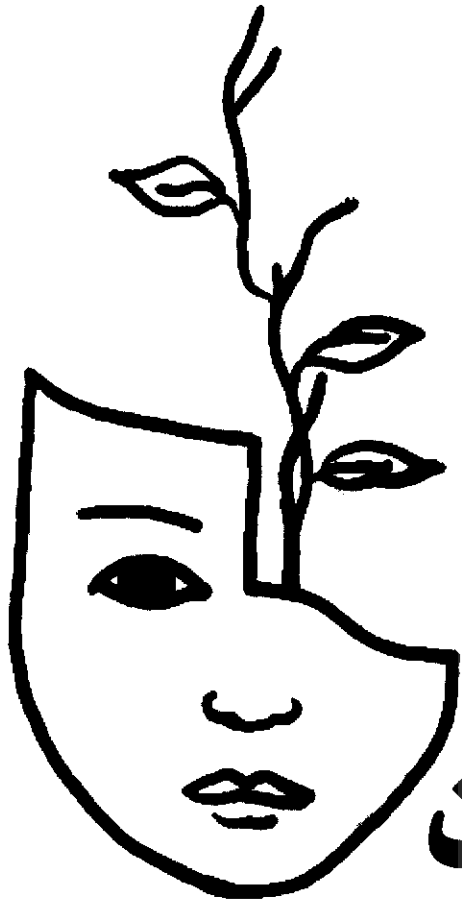


نبینی باغبان چون گل بکارد  
چه مایه غم خورد تا گل برآرد  
گهی خارش به دست اندر خلیده  
گهی از بهر او خوابش رمیده



# تربیت، باغبانی جسم و جان

کشاورزان تا چه حد می‌توانند ما را در کار تربیت راهبر و راهنما باشند. تربیت از جهات مختلف به کار کشاورزی شباهت دارد، با این تمایز که کشاورز دانه و درخت می‌پرورد و مربی انسان. مربی حداقل کاری که باید در تربیت "آدم" انجام دهد، همان است که یک کشاورز در پرورش یک گیاه انجام می‌دهد. مباد که یک مربی در تربیت فرزند، از حکمتی که یک کشاورز در عمل پرورش گیاه از آن برخوردار است بی بهره باشد!

حقایق به آدمی به کار گرفته است. چنان که بافته‌ها و یافته‌های کفار را به خانهٔ عنکبوت مثل می‌زند که بسیار سست بنیاد است. در این مثل خانهٔ کفر به خانهٔ لرزان و ریزان عنکبوت تشبیه شده است.

ما نیز به تأسی از قرآن کریم، ناگزیریم برای درک بهتر مفاهیم مورد نظر خویش از مفاهیم واسطه، یعنی مثل‌ها استفاده کنیم. در این بحث می‌خواهیم تربیت را به کار باغبانی تشبیه کنیم و ببینیم که باغبانان و

انسان برای درک بسیاری از مفاهیم، ناگزیر از فهم مثل‌هایی است که آن مثل‌ها همچون واسطه‌ای برای درک بهتر مفاهیم اصلی عمل می‌کنند. در چنین مواردی درک هر مثل، پله‌ای است برای رسیدن به مفهوم مورد نظر. خداوند کریم نیز در قرآن برای تقریب ذهن و دل بشر به معارف الهیه، مثل‌های بسیار به کار برده است. خداوند تبارک و تعالی از پشه و مورچه و عنکبوت گرفته تا باران و زمین و آسمان و گردش فصول و خواب و بیداری را برای تفهیم

کشاورز به خوبی می‌داند که وظیفه‌اش فراهم کردن زمینه‌ای است که گیاه در چنین زمینه‌ای استعدادهای بالقوه خویش را به تدریج به منصفه ظهور رسانده، به رشد لایق خویش می‌رسد.

برای آن که به محصول تربیت خویش یعنی کودکان و نوجوانان آسیب نزنیم لازم است دست کم حکمت‌های زیر را از کار کشاورز بیاموزیم و به کار گیریم:

۱- هر کشاورز در کار خویش این نکته را به خوبی می‌داند که او فراهم آورنده زمین و زمینه مناسب برای پرورش گیاه است، نه رشد دهنده آن. یعنی کشاورز تلاش می‌کند با انتخاب زمین مناسب، آب کافی و آبیاری به موقع و کود مناسب و به اندازه، زمینه‌ای فراهم کند تا دانه یا نهال او در آن زمینه بتواند رشد کند. او به خوبی می‌داند که وظیفه‌اش فراهم کردن این زمینه است و گیاه در چنین زمینه‌ای استعدادهای بالقوه خویش را به تدریج به منصفه ظهور رسانده، به رشد لایق خویش می‌رسد. کشاورز می‌داند که اگر او نتواند دانه مستعدی را به محصولی پرثمر تبدیل کند، او مقصر است، نه دانه و نهال. کشاورز دانا، هرگز سستی و کاستی خویش را به گردن گیاه نمی‌اندازد، زیرا می‌داند که اگر او زمینه

مناسب را فراهم آورد، گیاه خود به خود و به قاعده رشد درونی، از درون شروع به شکفتگی و شکوفایی می‌کند.

این اولین حکمتی است که در کار تربیت باید از کشاورز آموخت. مریبان کودکان و نوجوانان پیش از هر چیز باید خود را مسئول فراهم آوردن زمینه مناسب تربیتی بدانند و اگر در این زمینه سستی کردند، نباید کینه بی‌کفایتی خویش را با سرزنش و تنبیه ناپجای متری بر سر او خالی کنند و سوء عمل تربیتی خویش را تکرار کنند.

پدر و مادری که محیط زندگی را برای امیال و هواهای خویش تربیت می‌دهند و از رفت و آمدها، نشست و برخاستها، دیدن و شنیدن‌ها و خوردن و آشامیدن‌ها در جهت تلذذ خویش به هر شکل ممکن بهره می‌گیرند، اگر فرزندی بی‌کفایت و ضد تربیت و اخلاق پرورش داده‌اند، بدانند که محیط را برای تربیت فرزند خویش آماده نکرده بودند و نباید انتظاری مثبت از کار خویش داشته باشند.

۲- هر کشاورز نگاهی حکیمانه به «زمان» دارد. او می‌داند که کارش در بستر زمان معنی می‌یابد. هر عملی زمان مناسب خویش را می‌طلبد. بهار و تابستان و پاییز و زمستان، هر یک برای انجام کار خاصی مناسب است. کار تابستان را در بهار نمی‌توان انجام داد و کار زمستان را در پاییز. برای کشاورزان علاوه بر فصول، روزها و ایام نیز معنایی

خاص دارد. کشاورزان می‌گویند: «باران شصت، باران بخت، یعنی بارانی که شصت روز از بهار گذشته بیارد، باران بخت کشاورز است. یا این که می‌گویند: «چهل و پنج از پاییز گذشته زمان دایر کردن کرسی است و چهل و پنج از بهار گذشته زمان جمع کردن آن. این گونه توجه به زمان در قالب فصول و روزها لازمه کار کشاورزی است.

علاوه بر توجه به زمان‌های مناسب، توجه به عمر یک گیاه نیز از امور اجتناب‌ناپذیر کشت و زرع است. هر دانه‌ای که کاشته می‌شود، هر نهالی که غرس می‌گردد، زمانی باید بر آن بگذرد تا به محصول بنشیند. کشاورز در محصول گرفتن از گیاهان عجله نمی‌کند. هیچ کشاورزی را نمی‌توان یافت که نهالی را با کشیدن بخواهد سریع‌تر به رشد برساند. اگر کشاورزان کسی را ببینند که مشغول کشیدن نهالی است، هرگز نیت مثبتی را از این کار برداشت نمی‌کنند، بلکه سوء نیت را بر این عمل حمل می‌کنند. یعنی نمی‌گویند چنین فردی می‌خواهد این نهال را بیش‌تر و بهتر پرورش دهد، بلکه می‌گویند او می‌خواهد این گیاه را ریشه کن و نابود کند.

توجه به زمان از همین دو جهت، در کار تربیت نیز حائز اهمیت است. هر مریبی باید توجه به زمان مناسب داشته باشد. نه از یک سو زمان را از دست بدهد و نه از سوی دیگر در تربیت

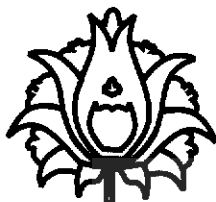
عجلهٔ بیهوده به خرج دهد. توجه به مراحل تربیت<sup>۲</sup> گواه همین ویژگی است. آن چه در دورهٔ پیش از دبستان باید انجام داد، با آن چه در دبستان، راهنمایی و دبیرستان باید انجام گیرد، متفاوت است. این مطلب تنها در انجام تکالیف درسی خلاصه نمی‌شود، بلکه هر زمان رفتارهای مناسب خود را می‌طلبد. زمان‌های حساس نباید از دست بروند. آن گاه که می‌توان به کودک زبان آموخت، زمان خاصی است، اگر آن زمان از دست برود، جبران آن به سادگی ممکن نخواهد بود. هم چنین در مورد تربیت بدنی، اجتماعی، عقلانی، دینی و... این زمان‌های حساس وجود دارند که باید هر یک از آنها غنیمت

شمرده شوند.

عجله نکردن در تربیت نیز وجه دیگر توجه به زمان است. همان گونه که کشاورز، هر چند که عجلول باشد، گیاه خود را مجبور به ثمردادن نمی‌کند، مربی نیز نباید کودک و نوجوان را به چنین عملی مجبور کند. کسانی که از کودکی پنج ساله انتظار رفتار کودکی

ده ساله را دارند، کسانی که از یک نوجوان انتظار رفتار یک بزرگسال را دارند، چنین عجله‌ای را به کار گرفته‌اند. کسانی که اصرار بر جهش فرزند خویش دارند، به اندازهٔ یک کشاورز در کار تربیت حکمت نمی‌ورزند.

۳- هر کشاورزی وقتی بخواهد محصولی بهتر به دست آورد، علاوه بر وظیفه‌ای که خود در زمینه‌سازی برای پرورش گیاه دارد، به دانه و نهالی که برای کشت انتخاب کرده نیز به خوبی توجه دارد و در حد توان خود بهترین را بر می‌گزیند. او هر بذری و نهالی را قابل کشت نمی‌داند. او بذری و نهالی را که

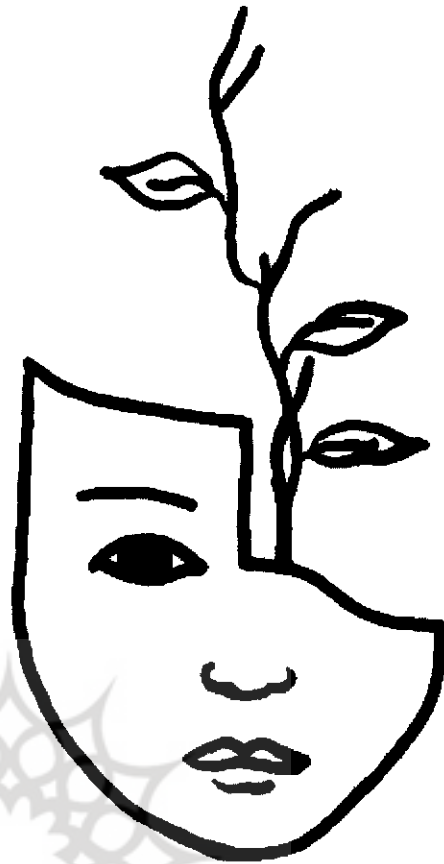


از لابه‌لای رفتارهای شهوانی و حیوانی بر می‌گزینند، به اندازه یک کشاورزی بی‌سواد نیز حکمت ندارند، هر چند که به ظاهر خود را آگاه و با سواد و به روز معرفی می‌کنند. چنین نسلی ممکن است علم داشته باشد، ولی عقل ندارد.

۴- هر کشاورز به خوبی می‌داند که چه چیزی را باید پرورش دهد و چه چیزی را پرورش ندهد. چه گیاهی را نگه‌بدارد و کدام گیاه را ریشه‌کن کند.

و جین در تربیت، پاک کردن محیط از عوامل مزاحم، به خصوص انسان‌های مضر است. مربی باید مراقب انسان‌هایی باشد که در اطراف متربی او قرار گرفته‌اند. رشد دوستان نامناسب در اطراف متربی، حکم علف‌های هرزی را دارد که اگر به موقع از گیاه مطلوب ما دور نشوند می‌توانند به او لطمه بزنند.

او در کنار گیاه مطلوب خویش، علف‌های هرز و گیاهان طفیلی را نیز می‌شناسد و اجازه رشد به آنها نمی‌دهد. او با بصیرت و هشیاری و به موقع علف‌های زاید و هرز را از ریشه بیرون می‌آورد و اجازه رشد به آنها نمی‌دهد. باغبانی که مدتی از جین زمین خود غفلت کند، علف‌های هرز چنان زمین او را اشغال می‌کنند که پاک‌سازی آن را به جد دچار مشکل می‌سازد.

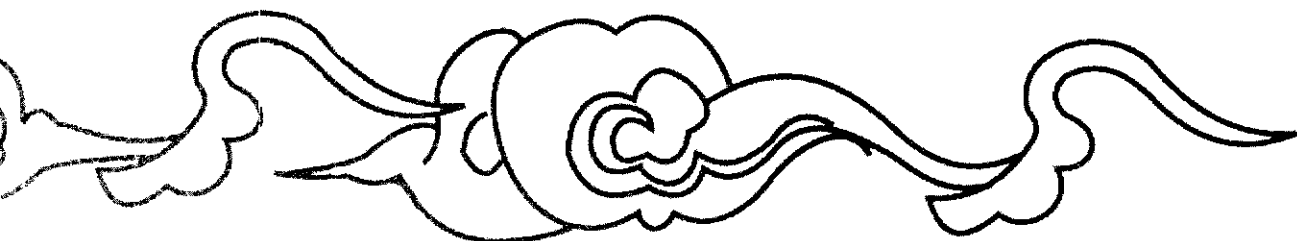


اطهار علیهم‌السلام می‌خوانیم: «اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها و لم یلبسک من مدلهمات ثیابها و...»<sup>۳</sup> اشاره به این دو ویژگی دارد. صلب‌های شامخه و رحم‌های پاک، حاملان ویژگی‌های جسمانی انسان‌اند و جاهلیت حامل فرهنگ‌ها و تربیت‌های نامناسب است که ائمه هدی علیهم‌السلام از هر دو به دور بوده‌اند.

کسانی که می‌خواهند حداقلی از تربیت صحیح را برای نسل آتی خود تأمین کنند، باید در انتخاب همسر خویش به حکم عاقلان و خیرخواهان دوران‌دیش توجه کنند. کسانی که همسران خویش را از کوچه و خیابان و

از هر کوی و برزنی جمع نمی‌کنند، او به سراغ کسانی می‌رود که بذرها مناسب پرورش داده‌اند.

چنین کاری در تربیت فرزندان، در هنگام انتخاب همسر انجام می‌شود. همسر انسان، چه زن و چه مرد، حامل بذری مناسب تربیت است. این بذری یکایک سلول‌های بدن زن و مرد از یک سو و در ذهن و روان او از سوی دیگر به ودیعت گذاشته شده است. وراثت‌های پاک و سالم تأمین‌کننده ویژگی جسمانی انسان‌هاست و تربیت‌ها و فرهنگ‌های مناسب، تأمین‌کننده ویژگی‌های روانی و ذهنی آنان است. انسان در انتخاب همسر باید به این دو ویژگی به خوبی نظر کند. این که در زیارت‌های ائمه



کشاورز نه تنها مراقب علف‌های زاید است، که مراقب رشد شاخه‌های زاید و نابجا در گیاهان مطلوب خود نیز هست. اگر شاخه‌ای از درختی در جهتی نامطلوب رشد پیدا کند، با اِزّه باغبان مواجه خواهد شد. اگر بوته‌هایی چنان در خفت یکدیگر باشند که امکان رشد را از یکدیگر سلب نمایند، کشاورز با بیرون آوردن تعدادی از آن‌ها، زمین را برای رشد دیگر بوته‌ها مناسب می‌سازد. این اعمال همه در تربیت معنای خاص خود را می‌یابد.

وجین در تربیت، پاک کردن محیط از عوامل مزاحم، به خصوص انسان‌های مضر است. مربی باید مراقب انسان‌هایی باشد که در اطراف مربی او قرار گرفته‌اند. رشد دوستان نامناسب در اطراف مربی، حکم علف‌های هرزی را دارد که اگر به موقع از گیاه مطلوب ما دور نشوند می‌توانند به او لطمه بزنند. بریدن شاخه‌های اضافی نیز جلوگیری

از رشد صفات و عادات نامطلوب در مربی است. باید با بصیرت تربیتی از رشد صفات و رفتارهای نامطلوب در مربی جلوگیری کرد. در ضمن باید توجه داشت در زمینی که در اختیار داریم، امکان پرورش چند فرزند را داریم. وقتی امکانات محدودی در اختیار داریم، از کثرت فرزندان و شاگردان اجتناب کنیم. امکانات محدود لطمه به همه افراد می‌زند. انسان‌ها را نمی‌توان پس از به وجود آمدن ریشه کن کرد ولی می‌توان قبل از به وجود آمدن آن‌ها اقدام نمود. مربیان باید به ظرفیت خویش برای پرورش مربی به خوبی واقف باشند و در همان حد مربی بپذیرند. پدران و ماران از طریق کنترل و برنامه‌ریزی برای فرزندآوری و مسئولان مدارس نیز از راه محدود ساختن شمار دانش‌آموزانی که می‌توانند پرورش دهند، در این زمینه می‌توانند اقدام کنند.

در مجموع باید بدانیم که بصیرت و حکمت یک کشاورز در پرورش گیاهان، حداقل بصیرت و حکمتی است که می‌تواند ما را در تربیت صحیح فرزندانمان به کار آید.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- فخرالدین اسعد گرگانی
- ۲- برای مطالعه بیشتر تر می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید:
  - دبس، موریس: مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۴.
  - شکوهی، غلامحسین: تعلیم و تربیت و مراحل آن، انتشارات به‌نشر، مشهد ۱۳۷۸.
  - ۳- زیارت وارث.